



# صفات مؤمنین

کن گناهانم را نادیده بگیر

۴- وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

بنده خوب خدا هست به درگاه خدا چنین می گوید: «ربنا اصرف عنا عذاب جهنم» پروردگارا آتش جهنم را از من دور کن. وسیله و سبب آتش را دور کن. کلام و رفتار من و حرکت و سکون من همه و همه با برای من آتش است یا برای من بهشت است. ای انسان کمال اهمیت را باید بدهی «ان تبتوا مافی انفسکم او تخفوا بحاسبکم به الله مافی الضمیر» به حساب آنچه فکر کردی، به حساب آن جلسه که شسته بودی، چه فکر می کردی؟ به شرر یا به نفع چه کسی طراحی می کردی و نقشه می ریختی؟ کی داشتی نقشه می کشیدی تمام اینها «بحاسبکم به الله» خدا به محاسبه می کند.

۵- «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یَسْرِفُوا وَلَمْ یَقْتَرُوا وَكَانَ بَیْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا»

آنان که اتفاق می کنند صفات پنجم از صفات بندگان الله است «اذا انفقوا» وقتی که مورد اتفاق سخاوت برسد «لم یسرفوا ولم یقتروا» آن مرحله اسراف، این صفت را ندارد. و آن مرحله تبذیر و بخل نیز، این صفت را ندارند. «وکان بین ذالک قواما» اعمال و اتفاقات طبق اعتدال است و مستقیم.

۶- «وَالَّذِينَ لَا یَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ»

کسانی هستند که جز الله در مقابل شخص دیگر خضوع ندارند.

۷- «وَلَا یَقْتُلُونَ النَّفْسَ»

خونی بنا حق به زمین نریخته اند و کسی را نکشته اند «الای الحق» مگر آنجا که خدا می گوید بکش، درجهه می گوید برای خدا بکش، می گوید،

۱- الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوًا

وقتی که روی زمین رفتارشان و مشی شان را بینی در مقابل دیگران تواضع و فروتنی دارد. بر هیچ کس خود فروشی ندارد، با هیچ کس خودش را مقایسه کرده و بزرگتر نمی بیند، عظمت برای خود اتخاذ نمی کند «یمشون علی الارض هونا» ای خدا بما توفیق بده که چنین باشیم.

۲- وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

نادانها اگر به آنها حمله کنند، جاهلان اگر به آنها بدگویند نسبت به حق شخص خودشان نه حق اجتماع و مذهبشان می گذرند که گذشتن از حق مذهب درباره شخصی که به مکتب و مذهب جسارت می کند غلط است، از حق جامعه گذشتن غلط است. عفو نیکوست، اما در مورد حق شخصی انسانی که اگر نگردد غائله ایجاد می شود «وإذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» می گوید من با شما مبارزه می کنم، ممکن است اگر حق شخصی خودم را نادیده بگیرم غائله ای ایجاد شود.

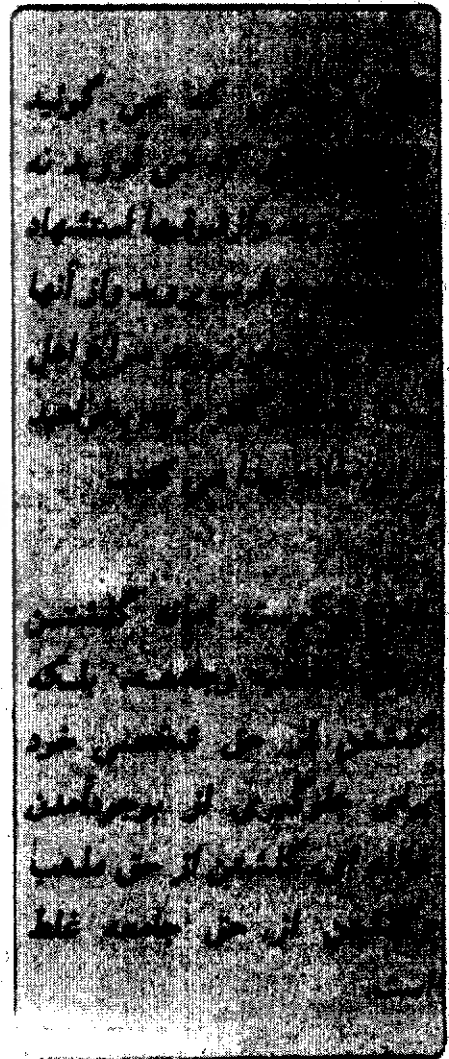
۳- وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ رِزْقَهُمْ سَجْدًا وَّقِيَامًا

پیامبر بندگان صالح من را می شناسی، در حالی شبها برای آنها می گنجد که ساجدینند و قائمینند در نیمه های شب، در اوقاتی که چشمها خوابیده است این انسان بیدار است ساجد و قیاما ساجدون و قائمون راوی می گوید در نیمه های شب زمین العابدین را میدیدم که دست به دعا برداشته است و چنین می گوید (دعای ابو حمزه ثمالی)

«الهی عینک بیابک اقامتهم... بوجهک الکریم» خدا بنده تو، به درخانه تو آمده با دست دعا در رحمت را می گوید بوجهک الکریم یعنی خدا روی کرمت را از من برنگردان خدا در نیمه شب بحضورت آمده ام مرا بپذیر «تقبل منی» چه جمله ای است گوش بدهید، دوستان عمل کنید به اینها «تقبل منی واهلی» گری و ارفع درختی... مرا بپذیر، قبولم کن برگ هام هم عفو کن، حسانت را بر من متوجه

مقدمه:

درسنامه درسهای عرفان عملی از معلم بزرگ اخلاق، حضرت آیت الله مشکینی، مطالبی پیرامون اصول اخلاقی، گناهان و مرض های روحی و... از نظر شما گذاشت، در این شماره مطالبی پیرامون صفات و ویژگیهای مؤمنین از نظر شما خواهد گذشت.



برای قصاص بکش. به هیچ انسانی ضرر نمی رساند مگر آنکه فرمان خدا باشد.

«وَلَا يَزْنُونَ»

تماسی یا ناموس مردم ندارد خیانت چشم و شهوت از او سرزده است، انسان پاکیزه است، و هرکس دنبال این جمله این را می گوید: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ تَعْدَى نَامُوسِي كِنَاةً بَزرگ برای انسان درست می کند.

۹- «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ»

هیچگاه شهادت دروغ نکرده است یا در مجلس لهو و لعب حاضر نشده اند.

۱۰- «إِذَا مَرُّوا بِالْقَلْبِ مَرُّوا كِرَامًا»

مومن به مجالس لهو و بجهای لغو نمی رود و به کار بی نفع تن در نمی دهد.

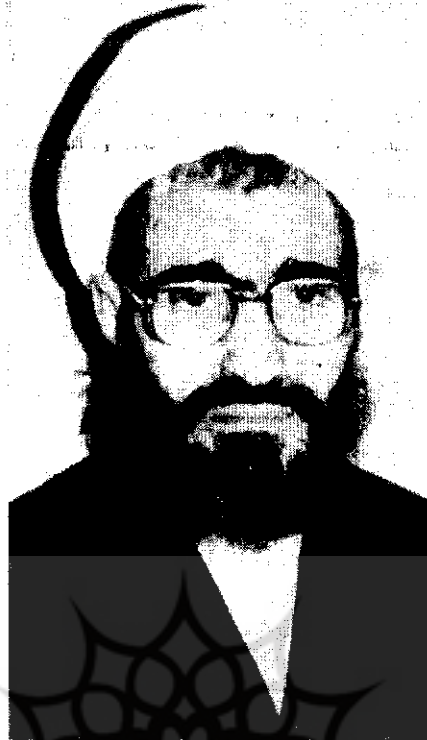
۱۱- «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ»

کسانی که آیه رحمت خدا بر آنها خوانده شود دلشان زنده میشود، متوجه الله میشود و اشک می ریزد.

۱۲- «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا...»

آنانکه پیوسته از خدا می خواهند و میگویند پروردگارا از عیال و فرزندانمان برای ما پاکیزه ترین افراد و نسل آینده قرار بده. اینها کسانی هستند که خدا نحریشان می کند...

بحث ما در اینجا مربوط به سخاوت بود که سفت پنجم از این صفات در این باره گفته شد تاریخچه ای کوچک بحضور دوستان و برادران عرضه بدارم. به دوستانم توصیه می کنم هر سختی که می گویند و یا استنهایی که می آورید نه به شرق بروید و از شرقها استنهاد بکنید و نه به غرب بروید و از آنها شاهد بیاورید، بروید سراغ اهل بیت، به خدا سوگند هر چه بخواهید در این خانه پیدا می کند. امام باقر (ع) فرمود: بگردید به فلاسی و فلاسی «فَوَاللَّهِ لَا يَبْتَلُ الْعِلْمَ إِلَّا الْمُنَّ هَذَا السَّبَّ» اگر به شرق و غرب بروید آنچه که در راه تکامل مغز بشر و در راه تعالی اخلاق انسان و آنچه که یک اجتماع را بسوی الله سوق می دهد و به کمال می رساند، نمی بینید این گنجها در خانه ما پیدا می شود، ای جهان شنید سراغ ایران، ای دیب و ای کشورهای بزرگ جهان که نامتان متملن است، بیاید که قم تمدن را پیدا کرده است، بیاید که اسلام



توسخاوت را دوست دارد فرمود: آری «ان الله جميل و يحب الجمال» بعضی این جمله را اینطور معنی کرده اند که خدا زیبایی است و زیباییان را دوست دارد «ان الله جميل» یعنی خدا تمام صفتهای زیبا را دارد و از تمام صفتهای نازیبا منزه است و سبحان الله و از آن بالاتر به ما می گوید «كُنُوزًا بِأَذَابِ اللَّهِ»

بیانید مثل من صفات جمیله پیدا کنید که شمارا جانشین خود کردم و «تَحَقَّقُوا بِاخْلَاقِ اللَّهِ» خدای من زیبایی را دوست دارد، سخاوت از زیباترین صفات انسانی است. این دومورد در این جمله است.

۱- اودید. پیامبر با او رابطه پیدا کرد سخن او را شنید و وضعیتش تغییر کرد.

۲- اودید انخدا حدایی است که همه زیبایی هارا دوست دارد گفت «أَشْهَدُ أَنْكَ مُحَمَّدٌ رَسُولَ اللَّهِ»

آری پیامبر این سفتش بود که این انسان را از آن کفر و عنا دوگودال جهنم بیرون آورد پس یکی از مهمترین صفات انسانی سخاوت است. جمله آخر را از علی (ع) بگویم از این ایرمرد تاریخ. از این دومین انسان شریف عالم وجود بگویم، علی (ع)

در مدینه روزهایی را که کار دیگری نداشت، در تصدی خلافت نبود، میرفت از اول روز تا آخر روز اجیر میشد و کار می کرد، در کتابها نوشته اند، اتفاق می افتاد که از اول تا آخر روز یک باغ نخلستان درخت خرما را از چاه آب میکشید و آبیاری می کرد، دستهایش طاولی می زد، از صاحب باغ مرد میگرفت، نایه خانه برسد، نیازمندی پیدا میکرد و آن را به یک نیازمندی میداد، این انسان، انسان مافوق است هر انسان باید چنین باشد، علما در میان ستمرن صفات سخاوت فقط سخاوت مال را مثال می زنند، سخاوت مقام را مثال نمی زنند. کدام انسانی است که بک

ست حساسی دارد و حقوق کلانی می گیرد وقتی دید که قدرت اداره ندارد استعفا کند و بگوید من این ست را به اهلی می گذارم، من سخاوت درست

و مقام را از یک نفر در تاریخ سراغ دارم که صاحب منصبی بود و بیشتر از یک ارتش سی هزار نفری زیر نظر او بود، مادرش نام ازاد بر او گذاشت و او توانست از این صفت بگذرد، منصب را گذاشت و در کربلا حسین از منصب رفع ید کرد، و آمد سر باز صفر سیدالشهداء شد، چه مقام بالاتری را گرفت.

درو به روان توای جانشین انسان سخاوتمند برادران، خواهران شمارا بخدا در این چند روز زندگیتان سخی باشید از مالی و مقامتان بگذرید، از هوس و لذتها بپایان برای الله بگذرید. دوستان بدانید اینده این کشور امروز نیاز بگذشت

شما دارد، علی (ع) فرمود: «أَعْرَوا نَوْرًا لِيُنْزَلَكُمْ مِنْهَا» امروز نیرد کنید ناسعدت را برای فرزندانمان بگذارید.

آی ولی عصر (عج) نامی از تویرم سلامی بقیه در صفحه ۵۵

به تمدن رسیده است، ما راه تکامل را پیدا کرده ایم، به خدا قسم که راه را گم کرده اید، دنیا برای خوردن و خوابیدن و هوس و هوس نیست، دنیا برای کوبیدن دشمن نیست، دنیا اطاق آزمایش بشر است و اسلام این راه را می داند و پیدا کرده است، بیاید تحت لوای اسلام. تاریخچه این است: پیامبر اکرم (ص) در مسجد الحرام و التمی نشسته است مردم در مدینه فوج، فوج به سراغ پیامبر می آیند، پیامبر صحبت میکند و آنها دقت می کنند و اسلام می آورند، «إِذَا خَافَ عَثْرًا اللَّهُ وَالْفِتْحَ...» گروهی از یمن رسید در مقابل پیامبر (ص) استاندند صحبت کردند یکفر از میان آنها خیلی جری و بیباک بود شروع به سخن کرد هر چه پیامبر فرمود قبول نکرد و هر چه استدلال کرد هتاکتی نمود پیامبر (ص) کاملاً ناراحت شد تا آنجا که در قیافه حضرت این ناراحتی ظاهر شد حضرت سر به باین انداخت و فکر کرد و در نظر داشت دستور کیفری برای این انسان هتاکتی صادر کند آن گوینده هم چشمش را به جمال حضرت دوخته بود نگاه کرد و دید رنگ حضرت تغییر پیدا کرده و حضرت سرباین انداخت همانجا جبرئیل امین رسید «يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ رَبِّيكَ يَقْرُنُكَ السَّلَامُ» خدایت سلام و درود بر تو می گوید و می فرماید این مرد انسانی سخاوتمند است این جمله را گفت و رفت، پیامبر وضعیتش عوض شد رنگ صورتش بحال عادی برگشت و قیافه اش بشاش شد، سربالا کرد و فرمود اگر خدایم به من خیر نداده بود که توسخاوت مندی، دستوری برای کیفر مشکلات میدادم، گفت آیا خدای

## گوشه‌ای از ....

میزان ۸/۱۱ درصد افزایش یافته است.

- در نه ماه اول سال حلوی تولیدات کارخانه سرمایه‌ک البرز قزوین نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۲۴ درصد افزایش داشته است. نسبتاً ۹۵ درصد از مواد اولیه این کارخانه در داخل تأمین می‌شود.

- با تلاش کارگران اسلام‌بخش بورد کارخانه توب آهن اصفهان تولیدات این بخش در ازماه نسبت به برنامه پیش بینی شده ۱۷ درصد افزایش یافت.

- یک مؤسسه آلمانی خواستار خرید آتش سوزم‌ها و ساخت سازمان انتقال خون ایران شد.

- در ۹ ماه اول سال جاری سید ماهی و سیگو در بوشهر نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۶۵ درصد افزایش داشته است.

- برای اولین بار در ایران طی سال جاری یکصد دستگاه موتورخانه سوله شرفاز بنام بونیت یکج که آخرین بدیده صنعت حرارتی هانگای در جهان است توسط شرکت آلیت اصفهان ساخته شد.

- بهره برداری از کوره دوم آجربری هریرزه با ظرفیت روزانه ۲۵ هزار قالب آجر آغاز شد.

- ۸۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز کارخانه چینی آرکید توسط جهات سازندگی در داخل کشور تهیه می‌شود.

- تولید چغندر قند کشور از مرز ۲ میلیون تن هم گذشت.

- میزان تولیدات کارخانه کانی حافظ ۲۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

## صفات مؤتمنین ....

بعضورت عرضه ندارم که شیخ بهانی بیادشمال خطاب می‌کند: ای سیم شمال توقع دارم خواهش ندارم بیابک پیامی ازمن بیرون و این پیام مرا بگوش حضرتش برسان و عرضه ندارم مایه تو علاقه‌مند هستیم. درود ما بر توای ولی عصر درود ما بر اجداد و نیاکان عظیم تو درود ما به تمام اهلیت که ما ارادتندیم، خدا اگر امروز در جهان توفیق نمانی برای پس از آمدنش توقع دارم اگر رجعتی هست و در اراده تو مشیت این گذشته باشد که عدای را قبل از قیامت بیاری حضرت زنده کنی مرا از این افراد قرار بده.

«فخر جنتی من قبری معتقداً کفنی شاهراسیغی»  
 درود بروایت ای ولی عصر (عج) امیداست انشاء الله ترجمه ایرانی‌ها به این‌ها «بیش باشد، دوستان درجلسات نام حضرت را برید و بیانی از آن حضرت بکنید زیرا که به اتکا، وجود اقدسش امام امت مانواست دارای آن فکر بشود او درمن خوانده مدرسه امام زمان است و تحصیل کرده مدرسه این اقا است مسلمانها تحصیل کرده مدرسه آن اقا هستند باید عرض ارادت به ساخت مفسس بیشتر از این انجام بگیرد.

ادامه دارد



## \* در حمله بستان بود که ده

دقیقه باران آمد و خاکهای بیابان را

خواباند، تا بچه‌ها راحت بروند. و

در محله فتح المبین طوفان آمد، که

برادران ما در صلحتری دشمن

بودند، و تنها بچشم دشمن پاشیده

شدند و آنها متوجه نشدند که برادران

ما هستند.

حمله فتح المبین یک طوفان آمد، که برادران ما در صلحتری دشمن بودند و تنها به چشم دشمن پاشیده شد و آنها متوجه نشدند که برادران ما هستند و برادران ما آن عملیات خودشان را به خوبی انجام دادند و در حمله فتح المبین دشمن آمد عقب درشاهای ریخت که برادران جهاد همه دیدند، و اگر بر سر برادران جهاد می‌ریخت برادران جهاد نجف آباد همه تابود میشوند، که یک باد سنگینی وزید و تمام حریفه به روی تپه‌ای ریخته شد و ما انفجار آن را نتاننا کردیم.

زیرا پیمانکارانی پذیرفته بودند این جاده را به مدت ۶ ماه درست کنند که جهاد ۱۷ الی ۱۸ روز این را ساخت. چه قباکاریها و ایشاها که کردند همه جا بیل در دستشان بود و همراه ما یا لودر می‌آمدند، به آنها افتخار می‌کردیم، خدا رحمتشان کند.

س- شما زمانی که در حال سنگر و خاکریز زدن ... هستید اکثراً جلوتر از رزمندگان حرکت میکنید و مستقیماً در تیر رس خمپاره‌ها و گلوله تیر و ... می‌باشید در آن لحظه چه احساس دارید و اطمینان قلبی شماز چیست؟

ج- باید ایشا باشد، ما همه چیز خود را کف دستمان میگذاریم و به لطف خدا چشم می‌اندازیم و جلو می‌رویم و هدفمان امنیت ایستگاه است. ضعف از بند استکبار جهانی نجات پیدا کند، و خدا همیشه با ما بوده و هست ولی آنقدر گلوله و فشنگ بسوی ما می‌ریزند که اگر از هر هزار تایی آن یک تیر اصابت میکرد، اکنون لودری در ایران وجود نداشت ولی بعمدا... همه شان با شجاعت و شهامت به جلو می‌روند، که مشابه آن را در عملیات رمضان دیدم، با اینکه گلوله تیر باز کالیبر ۵۰ بطور مداوم به طرف لودر ما می‌آمد و این گلوله‌ها از کنار چشم و گوش من رد میشد ولی به ما اصابت نمی‌کرد شاید ما لیاقت نداشتیم که به درجه شهادت برسیم. در هر صورت اگر ما در این راه شهید بشویم خیلی خوب است و اگر بیروز بشویم بهتر است، بعضی وقتها می‌گفتم اگر ما کشته می‌شدیم، حالا این بیروزیها را نمی‌دیدیم و...

س- در حال حاضر بزرگترین آرزوی شما چیست؟

ج- بزرگترین آرزوی من بیروزی اسلام و نابودی کفر جهانی به سرکردی امریکا و منافقین دجالی است که در ایران هستند.

س- شما اگر خاطراتی دارید بفرمائید؟

ج- در جبهه هر اتفاقی که بیافتد و هر پیش آمدی بشود، خوب است و صلاح در همان است. در عملیات بستان یک تانک ۱۰۶ می‌خواست موقعی که ما خاکریز را می‌تکسیم از خاکریز رد بشود، یک کمی هم باران می‌آمد طوری بود که تقریباً نمی‌شد رد شود چند بار بالا رفت ولی نتوانست رد شود و هر بار که رد میشد جای آن گلوله می‌خورد تا بالاخره تانک رفت و بعمدا... هیچ خطری اتفاق نیافتد و من در اسفوح خدا را با چشم خود دیدم. خاطره دیگر، بیکار وقتی در سوسنگرد یک برادری در حالیکه رزمنده‌ها تشنه بودند، آبیل تقسیم میکرد، بسته‌های آبیل را که در هر کدام نامه‌ای بود تقسیم کردند، یک استواری یکی از کیسه‌ها را برداشت، دید نامه چیه اش در یکی از کیسه‌هاست، و این یک خاطره بسیار شیرین است.

س- امدادهای عیبی خداوند همیشه شامل حال رزمندگان ما بوده است، شما یکی از امدادهایی را که به چشم دیدید بفرمائید.

ج- در حمله بستان بود که ده دقیقه باران آمد و خاکهای بیابان را خواباند، که بچه‌ها راحت بروند در